

نگاه

افغانستان، تمرین صلح ادامه جنگ



● ابتکار اشرف غنی، رئیس‌جمهوری

افغانستان، برای اعلام یک‌جانبه آتش‌بس موقت به مناسبت عید فطر و پاسخ مساعد گروه طالبان برای مدت محدود سه روز ایام عید، باعث بروز خوش‌بینی‌های زودهنگامی برای تمدید آتش‌بس و در همان حال آغاز مذاکرات جدی‌تر برای حصول صلح بین طالبان و دولت وحدت ملی افغانستان شده است. این امیدواری زمانی تقویت شد که وزارت خارجه آمریکا نیز در بیانیه‌ای ضمن استقبال از آتش‌بس موقت، برای پیوستن به مذاکرات ابراز علاقه کرد. طالبان از قبل با این استدلال که آمریکا افغانستان را اشغال کرده و دولت کابل را به رسمیت نمی‌شناسد، طرف اصلی خود را برای مذاکره آمریکا اعلام کرده بود.

آنچه در این تجربه آتش‌بس موقت شبایان توجه بود، حضور پرچم سفید طالبان در خیابان‌های کابل و حرکت آزادانه آنها بدون هیچ مانعی بود که بعد از سقوط قدرت طالبان در سال ۲۰۰۱ میلادی، واقعا بی‌سابقه بود. استقبال نیروهای دولتی از طالبان که بعضا سلاح‌های خود را تا دروازه شهر حفظ کردند و دست‌دادن و درآغوش‌گفتن افرادی که تا روز قبل به روی هم آتش می‌گشودند و احتمالا پس از آتش‌بس موقت در همان موضع خصمانه به روی یکدیگر آتش خواهند گشود، در همان حال که دیدنی بود، حکایت از خستگی هر دو طرف جنگ افغانستان از جنگ و احساس نیاز مشترک آنها به صلح و ثبات دارد؛ اما پرسش مهم و اصلی این است که آیا واقعا این تجربه قابلیت تبدیل‌شدن به روند صلح پایدار در افغانستان را دارد یا خیر؟ متأسفانه در این‌بخش، خوش‌بینی چندانی وجود ندارد. علت آن هم این است که جنگ و تداوم آن در افغانستان، ناشی از سه سطح رقابت و تضاد منافع است و به دشواری می‌توان تصور کرد که این سه سطح از رقابت و تضاد منافع، در یک زمان و به صورت هماهنگ به صلح در افغانستان تن بدهند. این سه سطح از رقابت‌ها را می‌توان چنین در نظر گرفت:

- رقابت‌های قومی و مذهبی در داخل
- رقابت‌های منطقه‌ای
- رقابت‌های بین‌المللی

واقعیت تلخ در افغانستان این است که تضاد منافع داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در سطحی است که حتی اگر بتوان تصور کرد که طالبان به هر دلیلی به صورت جدی وارد روند صلح و مذاکره شوند، همواره گروه‌ها و جریانانی خارج از این روند قرار خواهند گرفت که توان ادامه جنگ را دارند. ظن غالب در این‌باره آن است که دستگاه‌های استخباراتی و امنیتی منطقه‌ای و بین‌المللی که جنگ را به صورت نیابتی در افغانستان به راه انداخته و هدایت آن را بر عهده گرفته‌اند، از این توان عملی برخوردارند تا اگر طالبان حاضر به تعدیل مواضع و گرایش به صلح نشد، گروه دیگری را به‌سرعت جایگزین کنند و به جنگ ادامه دهند. در این حالی است که طالبان حاضر به ادامه آتش‌بس نشده و تهدید کرده جنگ را در پایان آتش‌بس موقت سه‌روزه از سر خواهد گرفت.

باین‌حال و با وجود آنکه طالبان با تسلط بر تقریباً نیمی از خاک کشور و کشاندن جنگ از شرق و جنوب به غرب و شمال افغانستان و گسترش عملیات، خود را در موضع برتر نظامی احساس می‌کند؛ اما واقعیت آن است که با تحولات منطقه‌ای و اعمال فشاری که بر حامیان سنتی طالبان وارد می‌شود، دور از ذهن نخواهد بود که پس از یک دوره تشدید جنگ و دستیابی به مناطق مهم‌تر، آنان آمادگی ورود به مذاکراتی جدی‌تر را پیدا کنند.

طالبان با پذیرش آتش‌بس موقت سه‌روزه و حضور مسلحانه در خیابان‌ها، مانور قدرت دادند، ولی این را نباید به معنای صلح‌طلبی یا اراده قاطع آنها به ادامه جنگ ارزیابی کرد. معادله جنگ و صلح در افغانستان پیچیده‌تر از آن است که در ظاهر به نظر می‌رسد و دست‌های پشت پرده متنوع‌تری وجود دارند که از دستیابی سریع به صلح جلوگیری خواهند کرد؛ اما یک امر کاملاً روشن است و آن اینکه نه طالبان می‌تواند به صورت قهرآمیز کابل را ساظم و امارت خود را در آن احیا کند، نه دولت کابل قادر است طالبان را شکست نظامی بدهد و آنها را از معادله قدرت خارج کند. بنابراین این احتمال وجود دارد که بن‌بست واقعی در جنگ، در نهایت طرفین را برای ورود جدی به روند صلح قانع کند.

پاکستان در بُعد منطقه‌ای و گلبندی حکمتیار از حزب اسلامی در بُعد داخلی، نقش اصلی را در پیشبرد روند صلح و مذاکره ایفا خواهند کرد؛ هرچند که باید انتظار یک دوره از تشدید جنگ با هدف امتیازگیری از طرف طالبان را داشت، ولی احتمال اینکه داعش جایگزین طالبان شود و طالبان به روند صلح تن دهد، منغی نیست.

هفته گذشته وقتی دونالد ترامپ و کیم جونگ اون، رهبران دو کشور ایالات متحده و کره‌شمالی در دیداری تاریخی در سنگاپور به هم رسیدند، کسی دیگر به این مسئله فکر نمی‌کرد که چطور آن جنگ لفظی به ناکاه جای خود را به خوش‌بشی چنین گرم داده است. اما به نظر داستان جالبی در پس گرم‌شدن یخ روابط پیونگ یانگ و واشنگتن وجود دارد که نشان می‌دهد این دیدار با انگیزه‌های تجاری گره خورده است. بنا بر گزارش «نیویورک‌تایمز»، داستان از جایی شروع می‌شود که یک سرمایه‌گذار آمریکایی تابستان گذشته به دولت آمریکا خبر می‌دهد پیونگ یانگ خواهان مذاکره با جرد کوشنر، داماد و مشاور ارشد رئیس‌جمهور آمریکاست. این سرمایه‌گذار آمریکایی که گابریل شولتز نام دارد، در سنگاپور زندگی می‌کند و توانسته در سفرهای خود به کره‌شمالی، یک شبکه ارتباطی گسترده با مقامات پیونگ یانگ ایجاد کند. آن‌طور که شواهد و قرائن نشان می‌دهند، شولتز مسیر این دیدار را گام به گام و از نشست‌های مخفی بین جاسوسان، مذاکره با کارآفرینان ذی‌نفع و در نهایت مداخله کوشنر طراحی کرده است.

کوشنر، چشم و گوش ترامپ

در اینجا شاید این سؤال به ذهن‌خطور کند که چرا رهبران کره‌شمالی باید از میان این‌همه شخصیت، کوشنر را انتخاب کنند. در واقع، از نظر پیونگ یانگ، کوشنر به‌عنوان یکی از اعضای خانواده رئیس‌جمهور، هم تأثیرگذاری کافی را بر ترامپ دارد و هم اینکه از اتهاماتی که در چند ماه اخیر بر دولت سایه انداخته بوده، مبرا مانده است. از دیگر سو، به نظر می‌رسد کره‌شمالی در انتخاب کوشنر از روش چینی‌ها الگوبرداری کرده است که اولین بار به پتانسیل همسر ایوانکا ترامپ پی برده بودند. این چینی‌ها بودند که اولین‌بار و با هدف نورزدن کاغذبازی و بوروکراسی وزارت خارجه برای ارتباط مستقیم با کاخ سفید، از کوشنر به‌عنوان یک میان‌بر بهره بردند. البته بنا بر گفته مقامات آگاه در کاخ سفید، خود جرد کوشنر مستقیماً در این مذاکرات پشت پرده نقش نداشته است. در عوض او مایک پمپئو، مدیر وقت سیا را در جریان پیشنهاد شولتز قرار داده و از سیا می‌خواهد تا مسئولیت گفت‌وگوها و مذاکرات را برعهده بگیرد. البته مشخص نیست که چرا کوشنر در این موضوع، سازمان سیا را به وزارت

خارجه آمریکا ترجیح داده است اما به نظر می‌رسد روابط نه‌چندان حسنه رکس تیلرسون، وزیر خارجه سابق آمریکا با ترامپ و کوشنر در این مسئله بی‌تأثیر نبوده است. از دیگر سو، به نظر می‌رسد برخی شبیهات درباره فقدان شفاف‌سازی در‌ساره برخی مسائل فوق امنیتی باعث شده بود تا کوشنر علاقه‌ای برای به‌دست‌گرفتن فرمان هدایت این مذاکرات پشت‌پرده نداشته باشد. البته این اولین‌باری نیست که نام کوشنر در مذاکرات پشت‌پرده بر سر مسائل امنیت ملی مطرح می‌شود. در اوایل سال ۲۰۱۷، او با هدف بهبود روابط ترامپ با دولت چین، یک کانال خصوصی با چو ی تیانکای، سفیر چین در واشنگتن باز کرد. در آن زمان تماس تلفنی ترامپ با رئیس‌جمهور تایوان، خشم چینی‌ها را برانگیخته بود. کوشنر و پاچوی با همکاری هم ترتیب یک دیدار دوازده روزه را در آوریل همان سال دادند که در آن ترامپ در ویلای خود در پالم بیچ فلوریدا، میزبان شسی جینیینگ شد. همان دیدار باعث شد که نام کوشنر به‌عنوان یک بازیگر کلیدی در رابطه با چین بر سر زبان‌ها بیفتد. باین‌حال، بعد از آنکه سؤالاتی درباره معاملات تجاری خانواده او با یک شرکت بزرگ چینی با عنوان «تبانگ گروپ» مطرح شد، او از این مسئله با پس‌کشید.

بای تجارت در کفش دیپلماسی

تابستان سال گذشته و در سایه تنش‌های لفظی میان رهبران دو کشور، اصلا مشخص نبود که این

جهان

گزارش نیویورک‌تایمز از واسطه اصلی مذاکره بین ترامپ و کیم

دست پشت پرده دیدار سنگاپور



رایزنی‌ها اصلا بتواند به جایی برسد، حتی همین حالا هم باوجود دیدار ترامپ و کیم، حرف و حدیث‌های زیادی درباره نتایج این نشست وجود دارد. درحالی‌که ترامپ اعلام کرده کره‌شمالی دیگر یک تهدید هسته‌ای علیه آمریکا محسوب نمی‌شود اما تضمینی جدی از رهبر کره‌شمالی برای خلع سلاح هسته‌ای نگرفته است. همین فقدان ضمانت اجرایی کافی و البته نادیده‌گرفتن سوابق کره‌شمالی در نقض حقوق بشر، باعث شده تا خیلی از مفسران، پیونگ یانگ را برنده اصلی این نشست بدانند؛ صرف حضور در نشست دو جانبه با رئیس‌جمهور آمریکا کافی است تا رژیم اون در چشم جهانیان به‌عنوان یک رژیم مشروع به نظر آید. البته این مشروعیت‌بخشیدن می‌تواند هم‌زمان حکم چراغ سبزی برای سرمایه‌گذاری در این کشور بگر را نیز داشته باشد.

برای شولتز که میلیاردها دلار از سرمایه‌گذاری در بخش معدن به جیب زده است، چه اتفاقی بهتر از آب‌شدن یخ روابط واشنگتن-پیونگ یانگ. شرکت او با نام «اس جی ای فرانتیئر کاپیتال» راهبردر خطرری را در زمینه سرمایه‌گذاری در بازارهای به اصطلاح نوپا از قبیل اتیوپی و مغولستان در پیش گرفته است. حتی پیش از آنکه دولت اوپاما در سال ۲۰۱۶ میلادی، تحریم‌هایی اقتصادی را علیه کره‌شمالی اعمال کند، شولتز سرمایه‌گذاری‌های محدودی نیز در پیونگ یانگ انجام داده بود. او در همین رابطه در سال ۲۰۱۳ به «فایننشال تایمز» گفته بود: «من واقعا باور

دارم که در صورت بهبود روابط، فرصت‌های زیادی در کره‌شمالی برای سرمایه‌گذاری وجود دارد». از دیگر سو، شولتز نیز تنها کسی نیست که برای میانجیگری میان ایالات متحده و پیونگ یانگ پیش‌قدم شده است. طبق گزارش مقامات، افراد متعددی در سال گذشته با این ادعا که با مقامات عالی‌رتبه در پیونگ‌یانگ ارتباط دارند، به وزارت خارجه مراجعه کرده‌اند؛ ادعاهایی که اغلب به جایی نرسیده است. تیلرسون نیز در جریان سفرش به پکن در ماه سپتامبر، از وجود دو، سه کانال ارتباطی با پیونگ یانگ سخن گفته بود. به نظر می‌رسد در همان زمان، پمپئو تلاش خود برای ارتباط با مقامات اطلاعاتی کره‌شمالی را آغاز کرده بود. او در کسوت رئیس سیا، دو بار به پیونگ یانگ سفر کرد و بعد از انتقال به وزارت خارجه نیز در عمل هدایت رایزنی‌ها برای دیدار ترامپ و کیم را در دست گرفت. البته این شکل از دیپلماسی غیررسمی فقط منحصر به کره‌شمالی نیز نیست. وقتی باراک اوپاما در سال ۲۰۰۹ میلادی از علاقه خود برای گفت‌وگو با ایران خبر داد، افراد متعددی از جمله نخست‌وزیر سابق اسپانیا و یک تاجر عمانی برای میانجیگری پیش‌قدم شدند.

البته بدون تردید، این اقدام شولتز بدون روی‌کارآمدن دولت جدید که در آن مرز سیاست و تجارت بسیار کمرنگ شده است، به جایی نمی‌رسید. در واقع، شولتز از شکافی که در کاخ سفید بر سر نحوه مواجهه با برنامه هسته‌ای کره‌شمالی ایجاد شده بود، بهترین استفاده را برد. البته در این میان نباید از نقش سیاست‌مدارانی مانند مون جانه این، رئیس‌جمهور کره‌جنوبی نیز غافل شد که خستگی‌ناپذیر برای نزدیک‌کردن رهبران دو کشور ایالات متحده و کره‌شمالی تلاش کرد. باین‌حال و باوجود تمام تلاش‌های مقامات امنیتی، دیپلمات‌ها و دیگر رهبران جهان در نزدیک‌کردن ترامپ و کیم، نمی‌توان کتمان کرد که این دیدار تاریخی در سنگاپور با انگیزه‌ای تجاری کلید خورده است. جالب اینکه در دیدار هفته گذشته نیز ترامپ به رهبر کره‌شمالی فیلمی چهاردقیقه‌ای را نشان داد که یک کره‌شمالی مدرن و پیشرفته را در آینده به تصویر می‌کشید. او به کیم گفت می‌تواند سواحل بکر این کشور را تصور کند که مملو از هتل‌ها و اقامتگاه‌های لوکس شده‌اند. به نظر می‌رسد اینجا همان جایی است که مرز بین دیپلماسی و تجارت محو می‌شود.

با مشورت تلفنی یک روانشناس حرفه ای از بروز فاجعه جلوگیری کنید.

آمده ایم که بزرگترین مشکل زندگی شما را حل کنیم.

- بهترین راه برای جلوگیری از خیانت و افزایش اعتماد متقابل زوجین در یک رابطه چیست؟**
- علائم سرد شدن یک رابطه و بالا رفتن احتمال خیانت را چگونه متوجه شویم و چگونه اجازه پیشروی ندهیم؟**
- نشان های خیانت در زندگی زناشویی و رعایت نکاتی که باعث بهبودآن می شود چیست؟**
- بزرگترین مشکلات زناشویی که در ایران رواج دارد چیست؟ و شما چگونه میتوانید آن را پیشگیری یا برطرف کنید؟**
- در بحران مشکلات زناشویی تصمیم به اینکه زندگی ادامه یابد یا منجر به طلاق شود؟**
- بهترین راه بازگشت رابطه های طولانی سرد شده و راه های عمق بخشیدن به شور و هیجان اوایل ازدواج چیست؟**
- با توجه به درنظر گرفتن جزئیات رابطه زناشویی بهترین زمان برای بچه دار شدن چه زمانی میباشد؟**

جواب صحیح این سوالات از یک روانشناس حرفه ای زندگی شما را قطعاً تغییر میدهد!!! اگر جواب این سوالات را نمی دانید حتما با ما تماس بگیرید

- عناوین که می توان مشاوره گرفت کدامند؟**

عناوین مشاوره در موضوعات زیر هم می تواند جزء سوالات شما باشد. مشاوره ازدواج (همسر یابی) - دوران نامزدی-مشکلات جنسی-روابط صحیح زناشویی-خیانت های قبل ازدواج و بعد آن- شکست روابط عاطفی- سوء ظن - شک و تردید- وسوس-طلاق مشاوره دوران بارداری (افسردگی دوران بارداری و بعد از آن اختلالات روانی واکنش رفتاری دوران بارداری) مشاوره رفتاری فرزندان (مشکلات در تربیت فرزندان- افزایش اعتماد به نفس- درمان افسردگی-پیش فعالی-استعداد یابی کودک - اختلال یادگیری در کودکان- خودکشی)
- مشاوره ترک اعتیاد (لغزش های ذهنی اعتیاد - پیگیری از انحرافات اعتیاد- حمایت های سالم و نا سالم در زمان اعتیاد- برنامه ریزی برای درمان اعتیاد)

در جواب سوالات، همین حالا وحتما از خط تلفن ثابت با این شماره بین ساعت ۹الی۲۲ تماس حاصل فرمایید.

۰۲۱-۷۰۷۰۱۰۱۰

برای اطلاعات بیشتر عدد ۱۰ را به سامانه ۰۲۱-۹۵۴۵ پیامک کنید.

چه زمانی مشاوره با روانشناس ضروری می شود؟

مشاور همان طور که از نامش پیداست فرد متخصمی است که با علاقه به دل مشغول می‌شود تا مشکلات و به شما کمک می کند تا در ک بهتری از آنها داشته باشید و بتوانید با راحتی و کارآمدی بیشتری با مشکلاتتان مواجه شوید.مشاوران می توانند پس از شنیدن صحبت فسر او را در امور روزانه راهنمایی کند.فرد در مسیر زندگی مانند دوران بلوغ، انتخاب همسر، تربیت فرزند، تعامل اجتماعی با افراد مختلف و همه این مراحل که در زندگی شخص اهمیت دارد، نمی تواند همه راه و مسیرها را بدون اینکه مطالعه یا اطلاعاتی داشته باشد به درستی بداند و انتخاب کند، موضوعی که نباید ساده

از آن گذشت، چرا که سلامت روح می تواند درون هر کسی پر از رمز و رازهای گوناگون است. بسیاری از ما سعی می کنیم نیمة تاریک وجودمان را با پنهان کنیم و همین منجر به مشکلاتی در روح و روان ما می‌شود. از طرف دیگر، چون شناخت کافی از خود، احساساتمان، جهان پیرامون و جهان نداریم اغلب احساس پوچی داریم و یا نسبت به مسائل مختلف، رفتارهای افراطی از خود بروز می‌دهیم.

- ۱- صرفه جویی در وقت و رسیدن به هدف در کوتاهترین زمان ممکن نسبت به مراجعه حضوری.
- ۲- دسترسی آسان به مشاوره خانواده خوب حتی اگر در اقصی نقاط کشور سکونت داشته و از کمترین امکانات برخوردار باشید.
- ۳- عدالت رفتاری یکسان برای تمام طبقات اجتماعی فراهم می آید.
- ۴- دسترسی آسان به مرکزی که به صورت فراگیر و جامع و تخصصی در همه حوزه های روانشناسی پاسخگوی سوالات در بیشترین ساعات روز در همه سطوح باشد.
- ۵- در صورتی که شخص سوال کننده احساساتمان، جهان پیرامون و جهان نداریم اغلب احساس پوچی داریم و یا نسبت به مسائل مختلف، رفتارهای افراطی از خود بروز می‌دهیم.
- ۶- پرداخت هزینه کمتر نسبت به مشاوره خسته بودن از وضعیت موجود، بهبود شرایط فعلی جستجوی راهی برای ادامه رابطه و بهبود شرایط سخت همانند جاودانگی در عشق
- ۷- مطرح کردن تمامی موارد غیرقابل بیان جهت مشاوره گرفتن.

این مرکز مشاوره را به دوستان خود معرفی کنید.

دوشنبه ۲۸۰ خرداد ۱۳۹۷